

# انتقال جنازه‌ها به نجف اشرف در دوره عثمانی

حسن ویس

ترجمه محمدمهدی کرمانی

## چکیده

انتقال پیکر مردگان از شهرها و سرزمین‌های اسلامی به عتبات مقدس، سنتی دیرین و پیشینه تاریخی بلندی دارد. این عمل در گذشته، میان شیعیان جزء آداب و رسوم دفن میان شیعیان بوده و به آن اهتمام ویژه می‌شده است. چه بسیاری از افراد سرشناس و متمکن، گاه به تصمیم اطرافیان و گاه به وصیت خودشان، پس از مرگ به عتبات آورده و در جوار حرم‌های مطهر دفن می‌شدند. شهر نجف و بارگاه مقدس علوی، به‌عنوان پایگاه معنوی و اعتقادی شیعه در این موضوع، بیش از دیگر اماکن مقدس مورد توجه بوده و بیشترین تعداد نقل جنازه‌ها را در تاریخ داشته است. آنچه در این مقاله، درباره موضوع انتقال مردگان به نجف اشرف تحقیق و بررسی شده، مسئله آمار نقل و انتقالات، جنبه‌های مثبت و منفی قضیه، آثار اجتماعی و اقتصادی آن، شیوه‌های نقل جنازه‌ها، عوارض و مالیات مخصوص خاکسپاری در نجف و قوانین مربوط به این کار، براساس اسناد آرشیو عثمانی است.

**کلیدواژه‌ها:** نقل جناز، نجف اشرف، عوارض دفن، دولت عثمانی، ایران.

درباره فضیلت و استحباب دفن جنازه‌ها در نجف اشرف و کنار مرقد امیر مؤمنان امام علی علیه السلام، روایات بسیاری از ائمه علیهم السلام نقل شده است. از این رو، در طول تاریخ شیعیان به امر دفن امواتشان در این سرزمین و بقعه مقدس اهتمام ویژه نشان داده‌اند (حرزالدین، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۴۴)؛ به طوری که شهر نجف، پیکر میلیون‌ها نفر از مسلمانان مناطق مختلف جهان، به ویژه هند و ایران را در خود جای داده و این، غیر از جنازه‌هایی است که از جای جای عراق به نجف منتقل می‌شود. (عبدالصاحب المظفر، ۱۴۳۰ق، ص ۱۵۱-۱۵۴؛ نجیب محمد، بی‌تا، ص ۵۷-۵۸)

جهانگرد آلمانی «نیبور»، تخمین زده که سالانه بیش از دو هزار جنازه از سرزمین‌های مختلف برای خاکسپاری در نجف اشرف، به این شهر منتقل می‌شده است. (حرزالدین، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۲۴۴) آمار دولت عثمانی، حاکی است که در سال ۱۲۷۵ق / ۱۸۴۱م، تعداد جنازه‌هایی که به نجف و کربلای مقدس می‌رسیده، بین پانصد تا هزار پیکر بوده است. حکومت عثمانی می‌کوشید عوارض ورود جنازه‌ها به عراق را به شکل منظم به خزانه دولتی واریز کند. جهانگرد انگلیسی «لوفتس»، که سال ۱۲۷۰ق، ۱۸۵۳م، از شهر نجف اشرف دیدن کرده است، می‌نویسد: «در این سال، بین پنج تا هشت هزار جنازه وارد شهر شد و در آنجا دفن گردید». (الخیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱۷) در زمان حکومت مدحت پاشا در بغداد، تعداد این جنازه‌ها هر سال بین پنج تا شش هزار بود و گاه به ده هزار نیز می‌رسید. وی برای هر جنازه‌ای که وارد سرزمین‌های تحت ولایت عثمانی می‌شد، پنجاه فروش مالیات وضع کرد. (سلمان، ۱۴۳۲ق، ص ۱۶۳)

در ۲۸ شعبان ۱۲۸۷ق، ناصرالدین شاه برای زیارت عتبات مقدسه وارد عراق شد. (همان، ص ۲۰۶) از مسائل مورد مناقشه در دیدارهای سران دو کشور ایران و عثمانی در بغداد، انتقال جنازه افراد تازه درگذشته به عتبات بود که موجب بیماری و به خطر افتادن سلامت مردم این شهرها می‌شد. (نقاش، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷۳) در این باره در ۱۳ سوال ۱۲۸۷ق، میان حاکم بغداد، مدحت پاشا و سفیر ایران در استانبول، حسین خان، توافقنامه‌ای امضا شد (قایا، ۱۴۳۰ق،

ص ۲۶۶) و دو طرف تصریح کردند که نقل پیکر مردگان به عتبات مقدس برای دفن، تنها پس از گذشت سه سال از مرگ جایز است. (سلیمان نوار، ۱۳۸۸، ص ۴۳۷) حکومت ایران نیز دستوری به همین مضمون در ایران صادر کرد. (سلمان، ۱۴۳۲ق، ص ۲۰۹)

## درآمدزایی

با وجود این جنبه سلبی، خاکسپاری جنازه‌ها در نجف، بُعد مثبتی نیز داشت، که از آن میان کارهای مربوط به تجهیز و دفن مردگان، درآمد خوبی را به جیب بعضی اهالی نجف سرازیر می‌کرد و مایه معیشت و گذران زندگی‌شان بود. (نقاش، ۱۴۱۹ق، ص ۲۶۶ و ۲۶۷) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقل جنازه‌ها به نجف از دو بُعد، مهم و درخور توجه بود: یکی بُعد اقتصادی قضیه بود که هم زندگی کسانی را که به کار کفن و دفن می‌پرداختند، تأمین می‌کرد و هم درآمدی برای خزانه مالی حکومت عثمانی به شمار می‌آمد. از این رو، در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۸۷ ق، طبق حکم، دولت عثمانی برای هر جنازه‌ای که از بیرون عراق وارد عتبات می‌شد، باید تنها پنجاه قروش مالیات می‌گرفت. این مبلغ را قرنطینه‌های مرزی اخذ می‌کردند و دادن گواهی سلامت، بسته به پرداخت آن بود. روشن است که وضع این قانون، در پی آن صورت گرفت که دولت عثمانی برای تقلیل عوارض نقل جنازه‌ها در تنگنا بود و نمی‌توانست نسبت به سال‌های گذشته، آن را افزایش دهد. (AOB. DS. 7872. 9091)

## آسیب‌ها

بُعد دیگر، بعد اجتماعی بود و مشکلاتی که جنازه‌ها برای سلامت شهروندان به وجود می‌آورد. از این رو، تلاش‌هایی برای رفع این مشکل صورت گرفت. سال ۱۳۱۲ق، یکی از تجار اروپایی به نام «الکساندر تونیتی» از دولت عثمانی خواست که امتیاز خط آهن خانقین - بغداد - کربلای مقدس - نجف اشرف را به وی واگذارند و توضیح داد که این برنامه و نقشه، فواید بسیاری دارد؛ مانند نقل و انتقال سریع جنازه،

به‌ویژه جنازه‌های ایرانی از سمت خانیقین به نجف اشرف (عبدالصاحب المظفر، ۱۴۳۰ ق، ص ۱۵۴)؛ زیرا نقل جنازه‌های مانده و بوگرفته، آن‌هم با چهارپایان در طول مسافت‌های طولانی، باعث تعفن و تلاش بیش از پیش آنها می‌شد و این، چیزی بود که با احداث خط آهن و سرعت در انتقال، برطرف می‌شد و نتیجه آن، سلامت عمومی و بهبود وضع اجتماعی بود. (AOB, OEB, 906-5981)

مسئله بیماری‌ها، باعث کندی نقل و انتقال جنازه‌ها و گاه توقف آن می‌شد. سال ۱۳۱۴ ق، با شیوع بیماری طاعون در هند، حکومت این کشور نقل جنازه‌ها به نجف اشرف را متوقف کرد. سال ۱۳۲۲ ق، موج بیماری و با شهر نجف را درنوردید و مصیبت‌زده کرد و حکومت عثمانی هم حکم به جلوگیری از نقل جنازه‌ها داد؛ تا جایی که حتی نگذاشت مردم نجف، مردگان‌شان را در صحن علوی به خاک بسپارند. حکومت ایران نیز بردن جنازه به نجف اشرف را ممنوع ساخت. با این همه، عده‌ای مخفیانه جنازه‌ها را به عتبات می‌بردند. (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۳۸)

انتقال جنازه‌ها، تجارتی با سود سرشار بود. تجار عراقی یا شخصاً یا از طریق وکلا و نمایندگان‌شان، کار انتقال پیکر مردگان از ایران یا دیگر سرزمین‌های شیعه را بر عهده می‌گرفتند و گاه برای جمع‌آوری جسد اموات، مدتی را در آنجا می‌ماندند؛ تا به یک‌باره تعداد فراوانی جنازه را به نجف اشرف انتقال دهند و از رهگذر تجهیز و خاکسپاری آنها، هم خود و هم دیگران از نفع مادی بسیاری برخوردار شوند (الفیسی، ۱۳۹۳ ق، ص ۷۸). اساس درآمد این گروه، بسته به تعداد جنازه‌ها بود که اثر مثبت بر اوضاع اقتصادی شهر نجف می‌گذاشت. (حرزالدین، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۴۴) البته این کار، از جنبه‌های منفی در جامعه نجف خالی نبود و تبعات دردناکی برای مردم به دنبال می‌آورد؛ زیرا جنازه‌ها درحالی به نجف می‌رسید که متعفن و متلاشی شده بود و بوهای بد و زننده از آنها بر می‌خاست و بیماری‌های مسری را باعث می‌شدند. جهانگرد فرانسوی «مادام دیولافوا» که سال ۱۲۹۹ ق، همراه با همسرش، وارد عراق شده است، در این باره می‌نویسد:

وارد کاروان سرای بزرگ شدیم. ناگاه بوی زننده عفونت و گندیدگی به مشامان

خورد. نگاهم به چیزهایی افتاد که روی هم چیده شده بود. نزدیک تر رفتم بینم چیست. دستم را به طرفشان دراز کردم. یک دفعه مثل برق گرفته‌ها، وحشت‌زده خودم را عقب کشیدم. آن چیزها پیکر متلاشی شده مردگان بود که در پارچه‌هایی بسته شده بودند و بعضی درون تابوت‌ها بودند و تکه گوشت‌های سیاه از لابه‌لای تخته‌های تابوت بیرون زده بود. (الخیاط، ۱۴۱۵ق، ص ۲۳۹)

افزون بر آثار نامطلوب اجتماعی انتقال جنازه‌ها که بعضاً پس از دفن در جای دیگر به نجف منتقل می‌شدند، به هتک حرمت مردگان منجر می‌گردید. با توجه به این مسائل بود که حضرت آیت‌الله سیدمحمدعلی هبه‌الدین حسینی شهرستانی، رساله‌ای با عنوان «حرمت نقل جنازه‌های تغییر شکل یافته» نوشت که جنبه‌های فقهی و تاریخی و علمی و اصلاح‌گرایانه داشت و آن را منتشر کرد. اما جامعه نجف، این رساله را برنتافت. (احمد البهادلی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۵؛ الخلیلی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۰۳)

### مالیات و عوارض خاکسپاری

دولت عثمانی برای دفن مردگان، عوارضی را مشخص کرده بود که در زبان اداری به آن «دَفْنِیَّه»، «دَفْنِیْنَه» و «تَرابِیْة اَرْض النَجْف الاشرف» می‌گفتند. مقدار این مالیات از نظرهای مختلف، متفاوت بود. داخل شهر، یک قیمت و بیرون آن، قیمت دیگر داشت. در داخل شهر نیز نسبت به تقدس مکان در حرم علوی، قیمت‌ها تفاوت می‌کرد. افزون بر نرخ‌های معمول دفن مردگان در نجف اشرف، که گاه به رقم سرسام آوری بالغ می‌شد، دولت عثمانی به بهانه‌های مختلف، مبالغی بر آن می‌افزود. برای نمونه، وقتی تصمیم بر آن شد که بیمارستانی در شهر نجف ساخته شود، به فرمان مقام عالی سلطانی که در تاریخ ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۳ق صادر شد، برای کمک به تأمین بودجه بیمارستان، ده قروش بر عوارض دفن افزودند. (6091, 1441, HD.i, AOB)

این مالیات تنها شامل جنازه‌هایی که از بیرون نجف به این شهر منتقل می‌شد نبود، بلکه از هر کجای سرزمین‌های تحت سلطه عثمانی که جسدی به عتبات انتقال می‌یافت، باید

نخست عوارض آن را می‌پرداختند. از این‌رو، شیعیانی که تبعیت عثمانی داشتند، از مأموران دولت عثمانی در بغداد درخواست لغو این قانون را کردند و یک یادداشت اعتراض‌آمیز نیز به حکومت عثمانی فرستادند. البته مدیریت عثمانی در بغداد، در موافقت با الغای آن عوارض، تعلل کرد و شاید دلیل این تأخیر، تنظیم قوانین خاص مربوط به این موضوع بود؛ زیرا سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ق، قانونی وضع شد که مطابق آن، وابستگان دولت از مالیات خاکسپاری اموات در بیرون از نجف اشرف معاف می‌شدند. (OSMH.RH, AOB, 1191)

قوانین حکومت عثمانی درباره خاکسپاری اموات در عتبات، به تعیین عوارض و مالیات دفن محدود نمی‌شد، بلکه تعیین محدوده و مساحت قبور و عوارض مربوط به آن را نیز دربر می‌گرفت. سال ۱۳۳۲ق، لایحه‌ای در موضوع قبرها در شهر نجف اشرف به تصویب رسید که مواد پنج‌گانه آن عبارت بود از:

ماده اول: ساختمان‌سازی پیرامون قبرها ممنوع است؛ اما ترمیم و بازسازی بناهای قبلی، تنها با اجازه و نظارت اوقاف باید انجام شود؛

ماده دوم: ساختن قبه و سایه‌بان، تنها روی ستون‌ها جایز است؛ به این معنا که اطراف قبر باید باز و بدون دیوار باشد و چنانچه قبه یا سایه‌بان بر قبری ساخته شود، مالیات آن دو برابر خواهد شد؛

ماده سوم: مساحت هر قبر باید  $\frac{2}{5}$  متر طول،  $\frac{1}{5}$  متر عرض و در کل،  $\frac{3}{75}$  متر مربع باشد؛

ماده چهارم: اگر مساحت قبری از  $\frac{3}{75}$  متر مربع بیشتر باشد، برای هر متر اضافه، مالیات یک دفن محاسبه می‌شود. نهایت مساحت یک قبر، از دوازده متر مربع بیشتر نباید باشد؛

ماده پنجم: اجرای این قوانین بر عهده بخش نظارت و بازرسی اوقاف است (AOB, SMM.i, 3191.M2331/571).

اداره بازرسی اوقاف با بعضی تجار قرارداد امضا می‌کرد و امتیاز دفن مردگان را

به آنان وامی گذارد و اجازه می‌داد تا خود مبلغی را معین کنند و به اوقاف پردازند. سال ۱۳۳۳ق، تاجری یهودی از اهالی بغداد توانست با پرداخت سیزده هزار لیره طلای عثمانی، به مدت سه سال امتیاز دفن اموات را از آن خود کند. با وجود این‌گونه قراردادهای، حاکمان عثمانی به شکل‌های مختلف بر مالیات دفن می‌افزودند. سال ۱۳۳۴ق، سی فروش به دفن هر جسد در نجف اشرف اضافه شد؛ و حکومت مرکزی عثمانی از کارگزارانش در بغداد، خواست روشن کنند که چه عاملی باعث افزایش این مبلغ شده است. پاسخ این بود که دیگر افزایشی در کار نخواهد بود. بعداً معلوم شد که افزایش مالیات دفن در نجف اشرف، با تلاش حاکمیت بغداد و بدون توافق با بازرسی اوقاف صورت گرفته است. از این رو، در پی توضیح خواستن حکومت مرکزی، ولایت بغداد به سرعت الغای مبلغ افزوده‌شده را اعلان کرد (5191.184, RFS.HD, AOB).

## فهرست منابع

١. احمد البهادلى، محمداقبر (١٤٢٢ق). السيد هبة الدين الحسينى آثاره الفكرية و موافقه السياسيه (١٣٠٢ - ١٣٨٧ق). بغداد، شركة الحسام للطباعة.
٢. حرز الدين، محمد (١٤٢٧ق). تاريخ النجف الاشرف، قم، نگارش.
٣. \_\_\_\_\_، (١٤٠٥ق). معارف الرجال فى تراجم العلماء و الادباء، قم، مطبعة الولاية.
٤. الخليلي، جعفر (١٤٢٦ق). هكذا عرفتهم، قم، مطبعة شريعت.
٥. الخياط، جعفر (١٤١٥ق). النجف فى المراجع الغربية، بحث فى موسوعة النجف الاشرف، بيروت، دار الاضواء.
٦. سلمان، محمدعصفور (١٤٣٢ق). العراق فى عهد مدحت باشا، بغداد، جعفر العصامى للطباعة الفنية الحديثة.
٧. سليمان نوار، عبدالعزيز (١٣٨٨ق). تاريخ العراق الحديث من نهاية حكم داودباشا الى نهاية حكم مدحت باشا، القاهرة، دار الكاتب العربى.
٨. عبدالصاحب المظفر، محسن (١٤٣٠ق). مقبرة النجف الكبرى، عمان، دار صفاء.
٩. قايا، ديلك (١٤٣٠ق). كربلاء فى الارشيف العثمانى دراسة واثاقية، ترجمه عن التركية حازم سعيد منتصر و مصطفى زهران، بيروت، الدار العربية للموسوعات.
١٠. نجيب محمد، حسين، وادى السلام، بيروت، الفجر.
١١. نقاش، اسحاق (١٤١٩ق). شيعة العراق، قم، امير.

## قراردادها

1. BOA, SD. 2787/50/15. B.1327h. (1909).
2. BOA, BEO, 609/ 45657/3.za.1312h. (1895).
3. BOA, I, DH, 1499 / 1331 C\_7/15.C.1331h. (1913)
4. BOA, DH. SFR, 481/54/14.T.1331 r.(1915).